

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

مروری بر کتاب شریف سرالصلاة امام خمینی قدس سره ۱۹

«دو رکن رکین عبادات، اخلاص و حضور قلب»

بگذر ز زبان دل سوی دلداری بیار
ما طالب اوییم و خریدار بیار

اخلاص عمل به محضر یار بیار
در بحر دل ارگوهر صدقی داری

امام خمینی (قدس سره)، در فصل چهارم در مبحث حضور قلب و مراتب آن، می‌فرماید: و هر چه مرتبه اخلاص و حضور قلب، که دو رکن رکین عبادت است، کامل تر باشد، روح دمیده شده در آن، طاهرتر و کمال سعادت آن بیشتر و صورت غیبیه ملکوتیه آن منورتر و کامل تر خواهد بود. حضرت امام با تذکر به اینکه کمال عمل اولیا علیهم السلام به واسطه جهات باطنیه عمل آنها بوده بوده است، می‌فرماید: اینکه چندین آیه از سوره مبارکه «هَلْ أَتَى» در مدح علی علیه السلام و اهل بیت طاهرینش علیهم السلام وارد شده است تنها به خاطر ایثار چند قرص نان نبوده، بلکه برای جنبه‌های باطنی و نورانیت عمل آنها بوده است؛ «إِنَّمَا نَطْعَمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا»؛ و دیگر اینکه اگر یک ضربت علی علیه السلام که افضل از عبادت ثقلین می باشد. تنها به خاطر ظاهر عمل نبوده است. (گرچه به ملاحظه موقعیت مقابله کفر و اسلام، خیلی انجام این عمل مهم بوده که شاید شیرازه لشکر اسلام از هم پاشیده می شد) ولی عمده فضیلت و کمال عمل آن حضرت، به خاطر حقیقت خلوص و حضور قلب آن حضرت در انجام این وظیفه الهیه بوده است. با این توضیح ادامه می دهند: « ولهذا مشهور است که وقتی غضب بر آن حضرت مستولی شد به واسطه جسارت آن ملعون، از کشتن او خودداری فرمود تا آنکه عمل به هیچ وجه شائبه انیت و جنبه یلی الخلقی نداشته باشد؛ با آنکه غضب آن ولی الله مطلق غضب الهی بود ولی باز عمل را خالص فرمود از توجه به کثرت، و یکسره خود را فانی در حق فرمود و عمل به دست حق واقع شد. و چنین عمل در میزان سنجش برنیاید و مقابله چیزی با آن نکند. ...» (سرالصلاة، ص ۱۶)

شرح: در آیه ۲۶۵ بقره خداوند حال کسانی را که اموالشان را در راه رضای الهی انفاق می‌کنند، مانند باغی دانسته است که در زمینی نیکو باشد و بارانی بسیار بر آن بیارد و ثمرش را دو برابر دهد و اگر چنین بارانی نبارید، دست کم بارانی اندک بر آن بیارد: «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ

جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أَكْلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُغْبِهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ». زمین نیکو، همیشه ثمری نیکو می‌دهد؛ گرچه

مقدار نیکو بودن ثمر، به مقدار باران بستگی دارد. هم‌چنین عمل خالص، پیوسته نتیجه ای نیکو دارد و عنایت الهی شامل آن می‌شود؛ هرچند مقدار آن، به مقدار اخلاص در عمل وابسته است؛ بدین جهت در پایان آیه، به بصیر بودن خداوند بر اعمال انسان‌ها اشاره شده است؛ زیرا خداوند از اندازه اخلاص هر عملی به‌طور کامل آگاه است: **«وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»**. [بقره / ۲۶۵] اخلاصی که از هر آمیختگی پیراسته است، اخلاص مطلق و اخلاص صدیقان شمرده می‌شود و اخلاصی که با قصد ثواب و رهایی از عذاب همراه است، اخلاص اضافی نام دارد.

[جامع السعادات، ج ۲، ص ۴۰۳] امام صادق(ع) می‌فرمایند: **« لَا بُدَّ لِلْعَبْدِ مِنْ خَالِصِ النِّيَّةِ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ وَ سَكُونٍ**

؛ لَأَنَّهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ هَذَا الْمَعْنَى يَكُونُ غَافِلًا وَ الْغَافِلُونَ قَدْ وَصَفَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِقَوْلِهِ إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ

سَبِيلًا وَ قَالَ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ...؛ برای بنده (خدا) در هر حرکت و سکونی از خالص ساختن نیت (برای خدا)

چاره و گریزی نیست زیرا اگر چنین نباشد غافل است و غافلان را خداوند تعالی اینگونه توصیف فرموده: اینان مانند چهارپایان بلکه گمراه‌تر هستند و نیز فرموده: اینان همان کسانی هستند که غافلند»، (میزان الحکمه، محمد

محمدی ری شهری، ج ۳، روایت ۴۷۴۸)

این عبادتها که ما کردیم خوبش کاسبی است دعوی اخلاص با این خود پرستیها چه شد

مراتب اخلاص: ابوالقاسم حکیم را از اخلاص در عمل پرسیدند. گفت: «این بر سه مرتبه است: یکی مرتبه عام و

یکی مرتبه خاص و یکی مرتبه خاص الخاص است. اما مرتبه عام آن است که از کار منفعت دنیایی نجوید، و

مرتبه خاص آن است که ثنای خلق نجوید و مرتبه خاص الخاص آن است که ثواب بهشت نجوید». بنابراین «

بالاترین مراتب « اخلاص آن است که در عمل، قصد عوضی اصلاً نداشته باشد، نه در دنیا و نه در آخرت. و

صاحب آن، همیشه چشم از اجر در دو عالم پوشیده، و نظر او به محض رضای حق سبحانه و تعالی مقصور

است و به جز او مقصودی و مطلوبی ندارد. و این مرتبه، اخلاص صدیقین است و نمی‌رسند به آن مگر کسانی

که «مستغرق» بحر عظمت الهی گشته، واله و حیران محبت او باشند. و ایشان را التفاتی نه به دنیا و نه به آخرت

باشد.

گدای کوی تو از هشت خلد مستغنی ست اسیر قید تو از هر دو عالم آزادست

در فرمایشات امام خمینی (س) تقسیمات دقیق‌تری دیده می‌شود؛ ایشان حقیقت اخلاص را پاک نمودن اعمال

ظاهری و باطنی از هر آمیختگی و توجه به غیر حق تعالی می‌داند (آداب الصلاة، ص ۱۶۰) بنابراین تا زمانی که

بنده در عبادات خود از توجه به منافع خودی و غیر خدا رهایی نیابد، به اخلاص حقیقی دست نخواهد یافت. با این توجه باید به دنبال خالص کردن نیت از همه مراتب شرک و ریا بود که از امور بسیار دشوار است که تنها برای برخی از اولیای الهی به طور کامل محقق می شود؛ چراکه انسان از شر وسوسه های شیطان مصون نیست و با کمترین حالتی، عمل خالص خود را با شرک خفی یا ریا باطل می کند؛ درحالیکه صورت کامل و جنبه ملکوتی و ارزش عمل و همچنین کمال و نقص عمل، تابع خلوص نیت است. (شرح چهل حدیث، ص ۳۳۱-۳۲۸) به همین جهت انسان باید با تذکر و تکرار ذکر، قلب را با اخلاص آشنا کند تا اخلاص در قلب جایگزین شود؛ اگر اخلاص در کار انسان نباشد، تصرفات شیطانی در قلب حاکم شده، انسان از معرفت توحیدی و قرب الهی دور می ماند. (شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۰۴)

**دل‌های پراکنده بیک جو نخرد
گویی ز همه مردم عالم ببرد**

**دل صافی کن که حق بدل می نگرد
زاهد که کند صاف دل از بهر خدا**

البته اخلاص مراتبی دارد که امام خمینی (س) قائل است؛ تا سالک این مراحل و مراتب را طی نکند به کمال اخلاص نمی رسد. مراحل اخلاص در نگاه امام راحل (قدس سره) عبارتند از: پاک نمودن عمل از شائبه رضای مخلوق، از به دست آوردن منفعت های مادی، از رسیدن به بهشت جسمانی، از ترس نرسیدن به لذات روحانی، از مشاهده استحقاق ثواب و اجر و پاداش و غیر آن که با تقسیمات دقیق تری به این شرح است: مراتب اخلاص از نگاه امام خمینی (ره)؛ «به طریق اجمال به طوری که مناسب با وضع این اوراق است **یکی از مراتب آن**، تصفیه عمل است - چه عمل قلبی یا قالبی - از شائبه رضای مخلوق و جلب قلوب آنها، چه برای محمّدت یا برای منفعت یا برای غیر آن. و در مقابل این، اتیان عمل است ریائاً. و این ریاء فقهی، و از همه مراتب ریا پست تر و صاحب آن از همه مرئی ها بی ارزش تر و خسیس تر است. **مرتبه دوم**، تصفیه عمل است از حصول مقصودهای دنیوی و مآرب زائله فانیه، گرچه داعی آن باشد که خدای تعالی به واسطه این عمل عنایت کند؛ مثل، خواندن نماز شب برای توسعه روزی، و اتیان صلاة اوّل ماه مثلاً برای سلامت از آفات آن ماه، و دادن صدقات برای سلامتی، و دیگر مقصودهای دنیوی. و این مرتبه از اخلاص را بعضی از فقهاء علیهم الرحمة شرط صحت عبادات شمرده اند در صورتی که اتیان عمل برای رسیدن به آن مقصود باشد. و این، خلاف تحقیق است به حسب قواعد فقهیه؛ گرچه پیش اهل معرفت این نماز را به هیچ وجه ارزشی نیست و مثل سایر کسب های مشروعه است، بلکه شاید از آن نیز کمتر باشد. **مرتبه سوم**، تصفیه آن است از رسیدن به جنّات جسمانیّه

و حور و قصور و امثال آن از لذات جسمانیّه. و مقابل آن، عبادت اجیران است؛ چنانچه در روایات شریفه است. و این نیز در نظر اهل الله چون سایر کسب ها است، الا آن که عمل این کاسب اجرتش بیشتر و بالاتر است در صورتی که قیام به امر کند و از مفسدات صوریّه عمل را تخلیص کند. **مرتبه چهارم**، آن است که عمل را تصفیه کند از خوف عقاب و عذاب ها [ی] جسمانی موعود. و مقابل آن، عبادت عبید است؛ چنانچه در روایات است. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۵) و این عبادت نیز در نظر اصحاب قلوب قیمتی ندارد و از نطاق عبودیت الله خارج است. و در نظر اهل معرفت فرق نکند که انسان عملی را بکند از خوف حدود و تعزیرات در دنیا، یا خوف عقاب و عذاب آخرتی، یا برای رسیدن به زن های دنیائی، یا برای رسیدن به زن های بهشتی، در این که هیچ یک برای خدا نیست، و داعی بر داعی امری است که مطابق قواعد فقهیه عمل را از بطلان صوری خارج کند؛ ولی در بازار اهل معرفت این متاع را ارزشی نباشد. **مرتبه پنجم**، تصفیه عمل است از رسیدن به سعادات عقلیه و لذات روحانیّه دائمه ازلیّه ابدیه و منسلک شدن در سلک کروبیّین و منخرط شدن در جرگه عقول قادسه و ملائکه مقربین. و در مقابل آن، عمل نمودن برای این مقصد است. و این درجه گرچه درجه بزرگ و مقصد عالی مهمی است، و حکماء و محققین به این مرتبه از سعادت خیلی اهمّیت دادند و برای او ارزش قائل شدند، ولی در مسلک اهل الله این مرتبه نیز از نقصان سلوک و سالک آن نیز کاسب و از اجیران به شمار می رود، گرچه در متعبر و مکسب با سایرین فرقهها دارد. و در ازاء این مرتبه که **مرتبه ششم** است تصفیه آن است از خوف عدم وصول به این لذات و حرمان از این سعادات. و در مقابل، عمل برای این مرتبه از خوف است. و این نیز گرچه مرتبه عالیّه ای است و از حدّ اشتهاهای امثال نویسنده خارج است، ولی در نظر اهل الله این نیز عبادت عبید است و عبادت معلّل است. **مرتبه هفتم**، تصفیه آن است از وصول به لذات جمال الهی و رسیدن به بهجت های انوار سبحات غیر متناهی که عبارت از جنّت لقاء است. و این مرتبه، یعنی جنّت لقاء از مهمّات مقاصد اهل معرفت و اصحاب قلوب است و دست آمال نوع از آن کوتاه است، و اوحدی از اهل معرفت به سعادت این شرف مشرّفند، و اهل حبّ و جذبه از کمال اهل الله و اصفیاء الله هستند؛ و لکن این کمال مرتبه کمال اهل الله نیست، بلکه از مقامات معمولی سرشار آنها است. و این که در ادعیه، مثل مناجات شعبانیّه، حضرت امیر المؤمنین و اولاد طاهرینش این مرتبه را خواسته یا اشاره به داشتن آن نموده، نه آن که مقامات آنها منحصر به همین مرتبه است؛ چنانچه **مرتبه هشتم** که در ازاء این مرتبه است و آن عبارت است از تصفیه عمل از خوف فراق نیز از کمال مقامات کمال نیست، و این که جناب امیر المؤمنین **کیف اضربُ علی فراقک** (دعای کمیل) گوید از مقامات معمولی

سرشار او و مثل او است. **بالجمله**، تصفیه عمل از این دو مرتبه نیز در نزد اهل الله لازم است، و عمل با آن معلّل و از حظوظ نفسانیّه خارج نیست؛ و این کمال خلوص است. و پس از این، مراتب دیگری است که از حدود خلوص خارج و در تحت میزان توحید و تجرید و ولایت است که بیان آن اینجا مناسب نیست.» (آداب الصلاة، ص ۱۷۳-۱۶۴)

**وین عمر گرامی بخسارت مگذار
میدار نهفته چشم دل جانب یار**

**سررشته دولت ای برادر بکف آر
دایم همه جا با همه کس در همه کار**

همانطور که می بینید عارفان، برای اخلاص، درجات گوناگونی را ذکر کرده که با رسیدن به درجه بالای آن، حقیقت آیه «**اَلَا لِلّٰهِ الدِّیْنُ الْخَالِصُ**» [زمر / ۳] در شخص تجلّی می یابد و در این حالت، سالک نه خود را می بیند و نه مخلوقات را و فقط در طریق دین و عبودیت گام می نهد. [شرح منازل السائرین، ص ۶۸]. چنین شخصی، حتی اخلاص خود را هم نمی بیند. [کشف الاسرار، ج ۱، ص ۳۲۸]. برخی نیز گفته اند: دین در صورتی برای خدا خواهد بود که از آلائش غیریّت و خودیّت پاک شود و این هنگامی حاصل می شود که با فنای کلیّ بنده در ذات حق، برای بنده، ذات و صفت و فعل و دینی باقی نماند و در غیر این حال، دین به حقیقت خالص نشده و در نتیجه، برای خدا نخواهد بود. [چهل حدیث، ص ۳۲۹]. در این حالت، سلطان توحید بر سالک تجلّی می کند و تعلّق به غیر خدا از او زدوده می شود و انقطاع کامل برای وی رخ می نمایاند. به تعبیر امام راحل « بنده یکسره خود را فانی در حقّ می نماید تا عمل به دست حقّ واقع شود ».

او راست بود با تو، تو گر باشی راست

گر طالب راه حق شوی ره پیدا است

او را باشی بدان که او نیز تراست

وانگه که باخلاص و درون صافی

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ